

شخصیت قرآنی و حماسی



(عنا و مدانی بنام)
استاد دانشگاه

چکیده

بی تردید واقعه کربلا؛ عظیم ترین حماسه ای است که تاریخ به خود دیده است. پیش از آن هیچ رویدادی با آن قابل قیاس نیست و پس از آن نیز از قیام مختار گرفته تا کنون نظیر آن را کسی به چشم خود ندیده است. بنابراین هرچه در زمینه آن کار شود، باز هم در مقابل تبعات آن حماسه بزرگ اندک است.

در این تحقیق که با عنوان «شخصیت قرآنی و حماسی امام حسین (ع)» فراهم آمده، نگارنده کوشیده است تا این موضوع را در پرتو آیات قرآنی با استفاده از کتب لغوی و تفسیری و حدیثی، به تبیین و توضیح شخصیت و فضایل و مکارم اخلاقی حضرت پردازد.

نهضت حسینی، احیاگر دین پیامبر است. پیدایش اسلام محمدی است و بقای آن حسینی و فرموده پیامبر (ص): «حسین منی و انا من حسین» بیان گر یک حقیقت اجتماعی و تاریخی است که قیام و شهادت حسین (ع) سبب بقای دین رسول خدا (ص) گردیده است.

کلیدواژه‌ها: امام حسین (ع)، آیات قرآنی، روایات، ایثار، تواضع، سخاوت، حماسه.

مقدمه

در روز سوم شعبان سال چهارم هجرت، دومین فرزند علی و فاطمه^(ع)، در خانه علی^(ع) کنار مسجد النبی دیده به جهان گشود و خانه زهرا^(س) به نور جمال این نوگل باغ نبوت و ولایت و چراغ فروزان آسمان رسالت و امامت، معطر و روشن شد. پیامبر^(ص) نام او را از طرف خداوند «شبیر»^۱ که در عربی حسین است، نهاد. عالی ترین، صمیمی ترین و گویاترین رابطه معنوی و ملکوتی بین پیامبر^(ص) و حسین^(ع) را می توان در این جمله دید که پیامبر^(ص) فرمود: حسین از من ومن از حسینم. در این مقاله ابتدا به تبیین و توضیح شخصیت قرآنی امام حسین^(ع) پرداخته، و سپس حماسه حسینی را در حد توان مورد بررسی قرار گرفته است.

قرآن کریم در آیات متعددی از مقام شامخ حضرت سید الشهداء^(ع) تجلیل و ستایش کرده است. این تعظیم و تجلیل قرآن از آن حضرت با نگاهی به تفاسیر و روایات اهل بیت^(ع) به روشنی قابل درک است. مصداق کامل نفس مطمئنه، جلوه ای از رحمت حق، پدری جلیل القدر و واجب اطاعه، بارزترین عنوان مظلومانه سید و سالار شهیدان است. ذبح عظیم الهی^۲، کهیعیص، فجر، زیتون^۳ و مرجان از القاب و عناوین و واژه های مقدس است که قرآن در مقام تعظیم شخصیت امام حسین^(ع) از آنها بهره گرفته است. از جمله آیاتی که درباره اهل بیت^(ع) نازل شده و مربوط به امام حسین^(ع) نیز می باشد آیه تطهیر، ذوی القربی، احکام، مباحله، اولوالامر، آیه ۲۸ سوره حدید، آیه ۹ سوره کهف، آیه ۳۵ سوره نور می باشد، که در این مقاله به توضیح این آیات شریفه می پردازیم.

آیه تطهیر

إنما یرید الله لیذهب عنکم الرجس أهل البیت و یطهرکم تطهیرا (احزاب، ۳۳/۳۳)؛ خداوند فقط می خواهد آلودگی را از شما خاندان [پیامبر] بزداید و شما را پاک و پاکیزه گرداند.

از ام سلمه نقل شده است که پیامبر^(ص) در خانه خود بود که فاطمه^(س) پارچه حریری، نزد آن حضرت آورد، پیامبر^(ص) فرمود: حسن و حسین^(ع) را صدا کن، بعد حضرت عبایی را برآنها افکند و فرمود: اللهم إن هؤلاء اهل بیتی و عترتی فاذهب عنهم الرجس و طهرهم

شخصیت قرآنی و حماسی امام حسین^(ع)

تطهیرا؛ خداوند: اینها خاندان من هستند، پلیدی را از آنها دور گردان، ام سلمه گوید: از رسول خدا پرسیدم آیا من نیز از گروه آنان هستم؟ فرمود: ام سلمه! تو بر خیر و نیکی هستی، اما در زمر این گروه نیستی.^۴

علامه طباطبایی در تفسیر المیزان می گوید:

کلمه «اهل البیت» در عرف قرآن اسم خاص بوده و هر جا ذکر شود، مراد پنج تن

می باشند و بر هیچ کس دیگر اطلاق نمی شود.^۵

آیه تطهیر، در مقام بیان طهارت و عظمت اهل بیت (ع) نازل شده است. خداوند عالم تقاضای پیامبر را پذیرفته است. و خاندان پیامبرش را از هر پلیدی، پاک و مطهر کرده است و حسین بن علی (ع) یکی از مصادیق آن می باشد.

آیه ذوی القربی

قل لا أسئلكم عليه أجراً إلا المودة فی القربی (شوری، ۲۳/۴۲)؛ بگو ازای آن [رسالت]

پاداشی از شما خواستار نیستم، مگر دوستی درباره خویشاوندان.

زمخشری در تفسیر خود می گوید:

بعد از نزول آیه فوق، از پیامبر (ص) سوال شد: ای رسول خدا! نزدیکان شما که

دوستی آنها بر ما واجب شد، چه کسانی هستند؟ فرمود: علی (ع) و فاطمه (س) و

فرزندشان (حسن و حسین).^۶

این عظمت و بزرگواری مخصوص نزدیکان پیامبر اکرم (ص) است که خداوند متعال

محبت و دوستی آنها را مزد رسالت حضرت قرار داده، و در رأس آنها، وجود مبارک سالار

شهیدان حضرت عبد الله (ع) است.

آیه اطعام (تجلی ایثار)

ویطعمون الطعام علی حبه مسکینا و یتیم و أسیرا. إنمنا نطعمکم لوجه الله لا نرید

منکم جزاءً ولا شکورا (انسان، ۷۶/۸-۹)؛ و به [پاس] دوستی [خدا]، بینوا و یتیم و اسیر را

خوراک می دادند. ما برای خوشنودی خداست که به شما می خورانیم و پاداش و سپاسی

از شما نمی خواهیم.

مفسران شیعه و بسیاری از علمای اهل سنت روایت کرده اند مجموع این سوره و یا حداقل ۱۸ آیه از این سوره که از آیه: «إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُورًا، آغاز می شود و تا آیه ۲۲ ادامه دارد، درباره گروهی به عنوان «ابرار» سخن می گوید، که مصداق اتم و اکمل ابرار در این آیه، علی (ع) و فاطمه و حسن و حسین (ع) بوده اند.^۷

ابن عباس چنین نقل می کند که: حسن و حسین (ع) بیمار شده بودند پیامبر (ص) با جمعی از یاران از آنها عیادت کردند، صحابه خطاب به علی (ع) گفتند: ای ابوالحسن! اگر برای شفای فرزندت نذر می کردی خوب بود، علی و فاطمه و خادمه آنها فضّه نذر کردند که اگر آنها شفا یابند سه روز، روزه بگیرند.

چیزی نگذشت که هر دو شفا یافتند، و در لحظات افطار، افطاری خود را یک روز به مسکین، یک روز به یتیم، و روز سوم به فقیر دادند و این آیه شریفه در شأن آنها نازل شد.^۸

بدین جهت این افتخار بزرگ منحصرأ در مورد خاندان پیامبر (ص) اتفاق افتاده است، که برای رضای خداوند متعال، محبوبترین چیز را، در سخت ترین مراحل نیاز خود به دیگری ایثار کنند، و نزول سوره مبارکه «هل اتی» مَهر قبولی این ایثار و سند مهمی برای تأیید موفقیت پیامبر (ص)، در تربیت کردن چنین خاندانی است، که خداوند عالم این توفیق را به پیامبرش تهنیت بگوید.

آیه مباهله

فمن حاجک فیه من بعد ما جائک من العلم فقل تعالوا ندع ابنائنا و ابنائکم و نسائنا و نسائکم و أنفسکم ثم نبتهل فنجعل لعنة الله علی الکاذبین (آل عمران، ۳/۶۱)؛ پس هر که در این [باره] پس از دانشی که تو را [حاصل] آمده، با تو محاجّه کند، بگو: «بیایید پسرانمان، و زنانمان و زنانتان، و ما خویشان نزدیک و شما خویشان نزدیک خود را فرا خوانیم؛ سپس مباهله کنیم، و لعنت خدا را بر دروغگویان قرار دهیم.

نصاری نجران، که برای بحث با رسول خدا (ص) وارد مدینه شده بودند، سرانجام بنای مباهله گذاشتند تا در روز موعود، هر دو گروه با عزیزان خود در پیشگاه خدا توسل جسته و علیه گروه دیگر نفرین کنند. آیه شریفه نازل شد و روز بعد حضرت به همراه علی و فاطمه و حسن و حسین (ع) در صحن مباهله حاضر شدند. نصاری نجران با دیدن چنین

چهره‌هایی، ترسیدند و از مباحله منصرف شدند. و سید الشهداء یکی از چهره‌های مبارکی است که در قرآن کریم در کلمه «ابنائنا» ذکر شده است.^۹

آیه اولوا الامر

أطيعوا الله و أطيعوا الرسول و أولى الامر منكم (نساء، ۵۹/۴)؛ خدا را اطاعت کنید و پیامبر و اولیای امر خود را [نیز] اطاعت کنید.

بنا به روایت کلینی از ابو بصیر از امام باقر(ع): هنگامی که از آن جناب درباره آیه شریف یا ایها الذین آمنوا أطيعوا الله و أطيعوا الرسول و أولى الامر منكم، سؤال کردند که اولوالامر چه کسانی هستند حضرت فرمودند: آی شریفه درباره علی(ع)، حسن و حسین(ع) نازل شده است.^{۱۰}

سوره حدید

یا ایها الذین آمنوا إتقوا الله و آمنوا برسوله یؤتکم کفلین من رحمته و یجعل لکم نورا تمشون به و یغفر لکم و الله غفور رحیم (حدید، ۲۸/۵۷)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از خدا پروا دارید و به پیامبر او بگردید تا از رحمت خویش شما را دوباره عطا کند و برای شما نوری قرار دهد که به [برکت] آن راه سپرید و بر شما ببخشاید، و خدا آمرزند مهربان است.

ابن عباس در تفسیر این آیه نقل می‌کند مراد از جمله: یؤتکم کفلین من رحمته، حسن و حسین(ع) است که خداوند به علی(ع) مرحمت فرمود.^{۱۱}

سوره فجر

یا ایته النفس المطمئنة... (فجر، ۲۸/۸۹ - ۳۰)

در روایتی از امام صادق(ع) آمده است: سوره فجر را در نمازهای واجب و مستحب خود بخوانید؛ زیرا این سوره حسین بن علی(ع) است و هر کس آن را بخواند، در روز قیامت با حسین بن علی(ع) در درجه او در بهشت خواهد.^{۱۲}

خداوند متعال برای ارج گذاری از این همه جان نثاری امام حسین(ع) در راه پاسداری

از ارزش های الهی - که طبق عهد خود هستی اش را فدای آن نمود - هدیه ای آسمانی به آن حضرت عنایت کرد .

در حدیث موسوم به «حدیث لوح» در مورد مقام بلند آن حضرت می فرماید :
من حسین را گنجینه دار وحی خود قرار دادم و او را با شهادت گرامی داشتم و زندگی اش را با سعادت به پایان بردم . پس او برترین کسی است که به شهادت رسید و در درج بالاترین شهیدان است . کلمه خود را با او قرار دادم و حجت بالغه من در نزد اوست . میزان پاداش و کیفر در نزد من ، خاندان حسین است .^{۱۳}
آن حضرت در تمامی آن دوران حساس و بحرانی به اقتضای اوضاع روز و شرایط زمان ، بهترین و شایسته ترین شیوه را در حفظ مبانی اسلام و مبارزه با باطل و سردمداران نفاق در پیش گرفت . ثمره این تلاش های خستگی ناپذیر و سراسر افتخار ، شهادت عاشقانه ای بود که رضایت حق را در پی داشت .

سوره کهف

أم حسبت أن أصحاب الكهف و الرقيم كانوا من آياتنا عجا (كهف، ۹/۱۸)؛ مگر پنداشتی اصحاب كهف و رقيم [= خفتگان غار لوحه دار] از آيات ما شگفت بوده است .
از جمله معجزات امام حسين (ع)، تلاوت قرآن آن حضرت بالای نیزه می باشد که تمام دوستان و دشمنان را شگفت زده نمود . منابع تفسیر در این باره نوشته اند :
بعد از شهادت امام حسين (ع) وقتی سر مقدس آن حضرت را به نیزه زده و داخل کوفه کردند، به دستور عبید الله بن زیاد آن را در کوفه های گرداندند و حتی میان قبایل برده ، به علامت پیروزی نشان دادند .

شیخ مفید نقل می کند : زید بن ارقم گفته است : من از منزل خودم نگاه می کردم که سر مقدس امام حسين (ع) را بالای نیزه مشاهده کردم . وقتی از مقابل ما آن سر نورانی را عبور می دادند، با کمال حیرت شنیدم که امام حسين (ع) این آیه شریفه را قرائت می کرد : أم حسبت أن أصحاب الكهف و الرقيم كانوا من آياتنا عجا؛ آیا گمان کردی که اصحاب كهف و رقيم از آيات و نشانه های عجیب ما بودند؟! به خدا سوگند! مو در بدنم راست شده بود و بر خود لرزیدم . در آن حال گفتم : ای فرزند رسول خدا (ص) تلاوت قرآن تو در

بالای نیزه، از ماجرای اصحاب کهف و رقیم خیلی شگفت تر و عجیب تر است. ۱۴
چه خوش است صوت قرآن ز تو دلربا شنیدن
به رخت نظاره کردن، سخن خدا شنیدن

تفسیر مرجان

مرج البحرين يلتقيان . بينهما برزخ لا يبغيان... يخرج منهما اللؤلؤ والمرجان (الرحمن، ۵۵/
۱۹-۲۲)؛ دو دریا را [به گونه ای] روان کرد [که] باهم برخورد کنند . میان آن دو، حد فاصلی
است که به هم تجاوز نمی کنند... از هر دو [دریا] مروارید و مرجان برآید .
امام صادق (ع) در حدیثی می فرماید:

علی و فاطمه (ع) دو دریای عمیق هستند که هیچ یک بر دیگری تجاوز نمی کند و
از این دو دریا، لؤلؤ و مرجان، امام حسن و حسین (ع) می باشند. ۱۵
این آیه از آیاتی است که حسین (ع) را به جواهرات گرانبها و بی مانندی تشبیه می کند که
در اقیانوس پرورش یافته و به خارج می رسند، حسن و زیبایی، جمال ظاهر و باطن، و
علم و تقوا و فضیلت، و پاکی و عصمت همه در آن درج است. ۱۶

تفسیر زجاجه

الله نور السموات و الارض مثل نوره كمشكاة فيها مصباح المصباح في زجاجة الزجاجه
کانهما کوکب درّی یوقد من شجرة مباركة زيتونة لا شرقية و لا غربية يكاد زيتها يضيء ولو
تمسسه نار نور علی نور یهدی الله لنوره من یشاء... (نور، ۲۴/۳۵)؛ خدا نور آسمانها و زمین
است . مثل نور او چون چراغدانی است که در آن چراغی، و آن چراغ در شیشه ای است . آن
شیشه گویی اختری درخشان است که از درخت خجسته زیتونی که نه شرقی است و نه
غربی، افروخته می شود . نزدیک است که روغنش - هرچند بدان آتشی نرسیده باشد - روشنی
بخشد . روشنی بر روی روشنی است . خداوند هر که را بخواهد با نور خویش هدایت می کند .
در روایت کافی به سند خود از صالح بن سهل همدانی، از امام صادق (ع) آمده که
«مشكاة» فاطمه (س) و «مصباح» حسن (ع) و «زجاجه» امام حسین (ع) و «شجرة مبارکه» ابراهیم
خلیل (ع) و «نور علی نور» امامی بعد از امام دیگر است. ۱۷

تفسیر کهیعیص

در تفسیر اولین آیهٔ سوره مریم آمده است: سعد بن عبد الله از محضر امام زمان (ع) پرسید: معنای «کهیعیص» چیست؟ فرمودند: این حروف از رازهای غیبی است که خداوند متعال بنده اش زکریا (ع) را از آن آگاه نمود و به خداوند متعال آن را به حضرت محمد (ص) شرح داد که روزی حضرت زکریا از خداوند متعال درخواست کرد نام های پنج تن آن عبا را برایش بیاموزد و خداوند توسط جبرئیل آنها را به او آموخت: زکریا (ع) وقتی نام محمد (ص) و علی و فاطمه و حسن (ع) را گفت، غصه هایش برطرف گردید، و آرامش یافت. اما وقتی نام مبارک حسین را یاد کرد، اشک چشمانش سرازیر شده و دلش شکست. به خداوند عرض داشت: بارالها! این چه سری است که نام چهارتن به من آرامش بخشید، اما یاد حسین (ع) اشکم را جاری و آه و ناله ام را بلند می کند.

خداوند متعال جریان شهادت امام حسین (ع) را با «کهیعیص» به او خبر داد و در معنای آن فرمود: «کاف» اشاره به کربلا «ها» هلاکت ظاهری عترت پیامبر (ص) «یا» اشاره به نام یزید ستمگری که او را به شهادت می رساند، «عین» عطش و «صاد» صبر و بردباری حسین (ع) را می رساند. ۱۸

تفسیر مظلوم

امام باقر (ع) در تفسیر آیه: **ومن قتل مظلوما فقد جعلنا لولیه سلطانا فلا یسرف فی القتل** اینه کان منصورا (اسراء، ۱۷/ ۳۳)؛ و هر کس مظلوم کشته شود، به سرپرست وی قدرتی داده ایم، پس [او] نباید در قتل زیاده روی کند، زیرا او [از طرف شرع] یاری شده است. فرمود: مقصود آیه از مظلوم، حسین بن علی (ع) است و ما اهل بیت (ع) ولی او هستیم، قائم ما اهل بیت (ع) نیز هرگاه قیام کند به خونخواهی و انتقام حضرت سید الشهداء (ع) بر می خیزد و از قاتلین آن حضرت انتقام می گیرد، تا اینکه می گویند او در خونخواهی زیاده روی می کند.

معنای منصور همان نصرت و یاری حضرت قائم (ع) است که از سوی آل رسول (ص) به پا خواسته و در دنیا بعد از آنکه از ظلم و جور پر شد، عدالت و دادخواهی را گسترش می دهد. ۱۹

تفسیر شجره طیبه

ألم تر كيف ضرب الله مثلا كلمة طيبة كشجرة طيبة أصلها ثابت وفرعها في السماء .
تؤتي أكلها كل حين باذن ربها و يضرب الله الامثال للناس... (ابراهيم، ۱۴/۲۴-۲۵)؛ آیا ندیدی
خدا چگونه مثل زده : سخنی پاک که مانند درختی پاک است که ریشه اش استوار و
شاخه اش در آسمان است؟ میوه اش را به اذن پروردگارش می دهد . و خدا مثلها را برای
مردم می زند ، شاید که آنان پند گیرند .

در کتاب کافی از امام صادق(ع) در تفسیر : كشجرة طيبة أصلها ثابت و فرعها في
السماء ، چنین آمده است : پیامبر(ص) ریشه این درخت است و علی(ع) شاخه آن ، و حسن
و حسین(ع) میوه آن است و پیروان با ایمان آنها برگ های این درخت می باشند .^{۲۰}
علی(ع) در نهج البلاغه می فرماید :

ما اهل بيت ، درخت نبوت و جایگاه رسالت و فرودگاه فرشتگان و خان رحمت و

معدن علم هستیم .^{۲۱}

حسین(ع) شریک قرآن

امام حسین(ع) الگویی مجسم احکام قرآن و نمونه بارز تجلی اخلاق قرآن و اسلام
است . آن حضرت ، با رفتارهایی که از خود بروز داد ، تصویر زیبایی از اخلاق اسلام و
قرآنی را ترسیم کرد ، بدیهی است کسی که شریک و سند قرآن است ، رفتارهایش هم هماهنگ
با قرآن و الهام گرفته از آن خواهد بود .

در برخی از زیارتنامه های آن سید ابرار و امام آزادگان ، مانند زیارت عید فطر و
قربان ، چنین می خوانیم : «السلام عليك يا شريك القرآن»^{۲۲} سلام بر تو [ای حسین!] ای
شریک و همتای قرآن! امام حسین(ع) از جهات مختلف ، شریک و همراه قرآن بود اینکه : هر
دو حجت الهی بودند؛ هر دو از عالم بالا به اهل زمین داده شده بودند ، هر دو ، ودیعه و
یادگار پیامبر(ص) بودند؛ هر دو ، نور خدایند که در ظلمات ارض و عالم ناسوت نورافشانی
می کنند؛ هر دو ، هادی جامعه انسانی به راه خیر و صلاح و سوق دهنده ملت ها به صراط
مستقیم حق و عدالت جویی ، آزادگی ، عزت و شرف انسانی اند؛ هر دو ، نوید رحمت و
مبشر عنایت و لطف خدایند و...^{۲۳}

حسین (ع) مفسر قرآن

اصبغ بن نباته، روزی به حضور امام حسین (ع) شرفیاب شد و پاسخ سؤال‌های علمی خود را از محضر آن حضرت دریافت. او می‌گوید: امام حسین (ع) بعد از پاسخ به سؤالات فرمود: «نحن الذین عندنا علم الکتاب و بیان ما فیه و لیس لاحد من خلقه ما عندنا الاّنا أهل سرّ الله»؛ ما خانواده‌ای هستیم که دانش قرآن و تفسیر آیات آن در نزد ماست و کسی از مردم شایسته این مقام علمی نیست؛ چرا که ما گنجینه اسرار الهی هستیم. و نیز فرمود: «نحن آل الله و ورثة رسوله»؛ ما خاندان خداوند و وارثان رسول خدا هستیم. ۲۴

از امام حسین (ع) احادیثی درباره تفسیر آیات، به دست ما رسیده است که چراغی است برای عاشقان ولایت. ۲۵

شیخ صدوق می‌نویسد:

هنگامی که امام حسین (ع) و یاران او در مسیر حرکت به سوی کربلا، به منزل ثعلبیه رسیدند، مردی به نام بشر بن غالب به محضرش آمد و عرض کرد: ای فرزند رسول خدا! مرا از قول خداوند خبر ده که می‌فرماید: یوم ندعوا کلّ أناس بامامهم (اسراء، ۷۱/۱۷)؛ آن روزی که هر گروهی را با پیشوایشان فرامی‌خوانیم؛ امام فرمود: دو نوع پیشوا داریم، پیشوای هدایت که به سوی رستگاری دعوت می‌کند. و پیشوای گمراهی که به سوی بدبختی و ضلالت می‌برد. هر کس از امام هدایت پیروی کند او را به سوی بهشت و هر کس در پی پیشوای ضلالت باشد به سوی آتش جهنم خواهد رفت و این است که خدای تعالی می‌فرماید: فریق فی الجنة و فریق فی السعیر (شوری، ۷/۴۲). (۲۶)

و در روایتی امام باقر (ع) فرمود:

حارث بن عبد الله به امام حسین (ع) عرض کرد: ای فرزند رسول خدا! جانم به فدایت مرا از تفسیر این کلام خدا: والشمس و ضحاها. والقمر إذا تلاها. والنهار إذا جلاها (شمس، ۹۱/۱-۳) آگاه کن. حضرت فرمود: ای حارث: منظور از آفتاب، محمد (ص) پیامبر خدا است. منظور از ماه، امیر مؤمنان علی بن ابیطالب است که از پی محمد (ص) می‌آید و مرا از روز، قائم آل محمد (ع) است که گستره زمین را پر از روشنائی عدل و داد می‌سازد. ۲۷

اهمیت آموزش قرآن

شدت علاقه امام حسین(ع) به قرآن کریم را تا اندازه ای می توان از حرمت نهادن و تکریم آموزگاران قرآن شناخت .

یکی از فرزندان امام حسین(ع) نزد معلمی به نام عبدالرحمان در مدینه آموزش می دید . روزی معلم ، سوره حمد را به او آموخت . زمانی که فرزند ، سوره را برای پدر قرائت کرد ، امام(ع) معلم را فراخواند و هزار دینار و هزار حله به او پاداش داد . وقتی به امام - به سبب پاداش زیاد - اعتراض شد ، فرمود : هدیة من کجا با تعلیم حمد برابر است .^{۲۸}

ارزش تلاوت قرآن

بشر بن غالب اسدی نقل می کند که روزی خدمت امام حسین(ع) رسیدم و آن حضرت درباره ارزش و ثواب خواندن قرآن فرمود :

کسی که یک آیه از قرآن را ایستاده بخواند ، برای هر حرفی صد پاداش نیکو برای او نوشته می شود . اگر در غیر نماز بخواند ، خداوند به هر حرفی ، ده پاداش نیکو به او عطا می کند . پس اگر قرآن را بشنود ، به هر حرفی یک پاداش نیکو به او عطا می کند و اگر کسی تمام قرآن را در شب بخواند ، فرشتگان بر او تا صبح درود می فرستند و اگر در روز ختم کند ، فرشته های نگهبان تا شب بر او درود می فرستند و دعای او برآورده است و به اندازه آن چه میان آسمان و زمین است ، به او پاداش داده می شود . پرسیدم : این ثواب خواننده قرآن است ؛ اما کسی که نمی تواند قرآن بخواند چه ؟ فرمود : ای برادر نبی : در شگفت مباش ؛ زیرا خداوند ، بخشنده ، ستایش کننده و بزرگواری است . اگر آن چه را از قرآن می داند ، بخواند خدا این اجر را به او می دهد .^{۲۹}

فضایل و مکارم اخلاقی امام حسین(ع)

۱ . تواضع و فروتنی

از عوامل موفقیت رسولان الهی صفت پسندیده تواضع و فروتنی است . آنان با آراستن

شخصیت خود به این ویژگی انسانی در قلوب مردم جای گرفته و تکلیف الهی خود را بهتر
ادا می کردند .

مسعده می گوید :

روزی امام حسین^(ع) بر جمعی از مساکین گذشت که عباهای خود را افکنده بودند و
نان خشکی در پیش داشتند و می خوردند . چون حضرت را دیدند او را دعوت
کردند ، حضرت از اسب خود پیاده شده ، فرموده : **إِنَّهُ لَا يَحِبُّ الْمَتَكَبِّرِينَ** (نحل، ۱۶/
۲۳) ؛ خداوند متکبران را دوست ندارد ، و نزد آنها نشست و با آنها تناول فرمود ، پس به
آنها فرمود که : من چون دعوت شما را اجابت کردم ، شما نیز مرا اجابت کنید و آنها را به
خانه برد و به جاریه خویش فرمود که : هرچه برای مهمانان عزیز ذخیره کرده ای ، حاضر
ساز و آنها را مورد پذیرایی و نوازش قرار داد ، سپس روانه فرمودند .^{۳۰}

۲ . سخاوت طبع حسینی

امام زمان^(ع) در زیارت ناحیه مقدسه خطاب به سید الشهداء می فرماید : کنت ربيع
الایتام و عصمة الانام و عز الاسلام و معدن الاحکام و حلیف الانعام ؛ ای جد بزرگوار!
تو بهار یتیمان ، حافظ و پناه مردم ، مایه سرافرازی اسلام ، کانون احکام و معارف و هم
پیمان بخشش و احسان بودی !

انس بن مالک می گوید : در حضور امام حسین^(ع) بودم ، کنیزی وارد شد و یک شاخه
گلی را به او هدیه کرد ، حضرت به او فرمود : تو در راه خدا آزاد هستی . من عرض کردم : او
تنها یک شاخه گل که چندان ارزشی ندارد ، به خدمت شما آورد ، شما او را به خاطر همین ،
آزاد کردی ؟ فرمود : خداوند ، ما را چنین تربیت فرمود ، آنجا که در قرآن می فرماید : **وَإِذَا حِیتِم
بِتَحِیةٍ فَحِیوْا بِأَحْسَنِ مِنْهَا أَوْ رَدُّوْهَا (نساء، ۸۶/۴)** ؛ هنگامی که کسی به شما تحیت گوید ، پاسخ
او را به طور بهتر دهید یا (لا اقل) به همان گونه پاسخ دهید . و بهتر از آن شاخ گل ، آزاد
کردن او است .^{۳۱}

۳ . اوج عفو و گذشت

خذ العفو و أمر بالعرف و أعرض عن الجاهلین . و اما ینزغنک من الشیطان نزع فاستعد

بالله انه سمیع علیم . إنّ الذین اتقوا إذا مسهم طائف من الشیطان تذکروا فاذا هم مبصرون . و اخوانهم یمدونهم فی الغی ثم لا یقصرون (اعراف، ۱۹۹/۷-۲۰۲)؛ راه و روش عفو را بگیر و به نیکی ها فرا بخوان و از جاهلان دوری کرده، روی بگردان و هرگاه وسوسه ای از شیطان به تو رسد، به خدا پناه ببر؛ دانستی که او شنوای دانا است . کسانی که تقوا پیشه کرده اند، هنگامی که وسوسه های شیطان به آنان برسد، به یاد خدا می افتند و در این هنگام، بینا و روشن بین می گردند؛ ولی افراد بی تقوا را برادران شیطانی شان به سوی ضلالت و گمراهی به پیش می برند و کوتاهی نمی کنند .

این آیات، روش رفتار با مخالفان و نادانان را بیان نموده که باید ملاک کار انسان در جامعه، عفو و گذشت باشد .

محدث بزرگوار، قمی (ره) می گوید: از عصام بن مصطلق منقول است، که وقتی به مدینه وارد شدم، امام حسین (ع) را دیدم . از شهرتش در شگفت شدم . حسد مرا واداشت که دشمنی و کینه خود را آشکار سازم . نزدیک ایشان رفتم و گفتم: تویی ابو تراب؟ حضرت فرمود: آری . هرچه خواستم، به او و پدرش دشنام دادم؛ ولی حضرت به من نگاه محبت آمیزی کرد و فرمود: کار را برای خود آسان گیر و برای من و خود، از خداوند طلب آموزش کن . اگر از من یاری بخواهی، راهنمایی خواهم کرد . من از گفته ها و رفتار خود پشیمان شدم . حضرت فرمود: قال لا تثریب علیکم الیوم یغفر الله لکم و هو أرحم الراحمین (یوسف، ۹۲/۱۲) من از اخلاق کریمانه او، در برابر جسارت ها و دشنام ها، دوست داشتم به زمین فرو روم، به ناچار از برابر چشم آن حضرت، به میان مردم پناه بردم و الان کسی پیش من از او و پدرش محبوب تر نیست . ۳۲

۴ . زهد و عبادت

در مورد زهد و عبادت امام حسین (ع) روایت شده است که بیست و پنج حج پیاده بجای آورد و شتران و محملها از عقب حضرت کشیده می شد . روزی به آن حضرت عرض شد: چه بسیار از پروردگار خود ترسانی؟ فرمود: که از عذاب ایمن نیست مگر آنکه در دنیا از خدا بترسد . ۳۳

دعای عرفه، از زبان مبارک امام حسین (ع) نقل شده که در صحرای عرفات در محضر

خدای تبارک و تعالی راز و نیاز خود را در نهایت خشوع و خضوع عرضه داشت .
 در روز عاشورا در آخرین لحظات جنگ با دشمن ، یکی از یاران حضرت گفت : الان
 ظهر است و وقت نماز . امام فرمود : «ذکرت الصلاة جعلک من المصلین ؛ نماز را به یاد ما
 انداختی ، خدا تو را از نمازگزاران قرار دهد» ، در میدان جنگ ، در هوای بسیار گرم و حالت
 عجیب ، برپایی نماز خوف ، شاید در تاریخ بشریت بی نظیر یا کم نظیر باشد . امام (ع) با
 چند تن از یاران خود در برابر تیرها که مانند قطرات باران به سوی صفوف نماز و خیمه ها
 سرازیر بود ، نماز ظهر را بجا می آوردند و چند تن از یارانش به هنگام نماز به خاک و خون
 غلطیدند و در صف نمازگزارانی که واقعاً به یاد خدا هستند ، قرار گرفتند .^{۳۴}

۵. ایثار سمبل جوانمردی

حسین (ع) سمبل جوانمردی و ایثار است که جلوه های بارزی از این صفت ارزشمند در
 روز عاشورا از او پدیدار شد از آن جمله : «سیراب ساختن دشمن در آن شرایط سخت بیابان ،^{۳۵}
 رضایت ندادن به یاری رسانی گروه جنّ...» ،^{۳۶} اجازه ندادن به کشتن ناگهانی عنصر پلیدی چون
 شمر ، که پیش از برخورد دو سپاه در تیررس یکی از یارانش قرار گرفته بود که امام (ع) فرمودند : «لا
 ترمه فانی لا ابدأ بالقتال» ؛ تیراندازی نکن که من آغاز به قتال نمی کنم .^{۳۷}
 امام حسین (ع) با ایثار خون ، تجلی شکوهمندی در عرصه عشق و جاودانگی را در
 ساحت قرب الهی به ثمر رساند .

خداوند در قرآن می فرماید : «ولا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله أمواتا بل أحياء عند
 ربهم یرزقون» (آل عمران ، ۱۶۹/۳) ؛ هرگز کسانی را که در راه خدا کشته شده اند ، مرده مپندار ،
 بلکه زنده اند و نزد پروردگارشان روزی داده می شوند .

به همین دلیل است که نبی اکرم (ص) فرمود : «إن لقتل الحسین حرارة فی قلوب المؤمنین
 لا یرد أبدأ» ،^{۳۸} همانا به واسطه شهادت حسین (ع) ، حرارتی در قلوب مؤمنان ایجاد می شود
 که هرگز به سردی نمی گراید .

چهره حماسی امام حسین(ع)

معنای حماسه

در قاموس آمده است: «حمس - کفرح: اشتدّ و صلب فی الدین و القتال فهو حمس و أحمس...». حمس بر وزن فرح یعنی ایستادگی در دین و کارزار، سخت و محکم است، و اسم از این فعل، حمس و احمس است. ۳۹

کلمه «حماسه» به معنی شدت و صلابت بوده و گاه به معنی شجاعت و حمیت نیز استعمال می شود. ۴۰ و نیز نوعی احساس شخصیت است در مقابل دیگران. ۴۱

همچنین به معنای دلیر شدن در جنگ نیز آمده است. ۴۲

خداوند در قرآن می فرماید: ولله العزة و لرسوله و للمؤمنین (منافقون، ۶۳/۸)؛ عزت از آن خدا و رسول او و مؤمنان است.

و نیز می فرماید: لن يجعل الله للكافرين على المؤمنين سبيلا (نساء، ۴/۱۴۱)؛ خداوند برای کافران بر مؤمنان راه (تسلط) قرار نداده است.

امام حسین(ع) حرکت اصلاحی خود را الگویی از سیره و روش پیامبر(ص) و حضرت علی(ع) می داند، امام حسین(ع) در وصیت نامه خود که هنگام حرکت از مدینه به سوی مکه برای محمد حنفیه نگاشت. هویت حرکت اصلاحی خود را بیان می دارد، آن حضرت پس از بیان عقیده خویش درباره توحید، نبوت و معاد، می نویسد:

من نه از روی خودخواهی و سرکشی و هوس رانی از مدینه خارج می گردم و نه برای فساد و ستم گری، بلکه هدف من از این حرکت، اصلاح مفاصل امت جدم می باشد و منظورم امر به معروف و نهی از منکر است و می خواهم سیره جدم پیامبر(ص) و پدرم علی(ع) را در پیش بگیرم. ۴۳

۱. مناقب ابن مغزلی / ۳۷۹، به نقل از امام حسین آفتاب تابان ولایت / ۲۵.
۲. ر. ک: خصال، ۱/۵۸-۵۹؛ سور صافات، آیه ۱۰۷
۳. سوره تین، آیه ۱؛ تفسیر البرهان، ۴/۴۷۷؛ نور الثقلین، ۵/۶۰۶، به نقل از ترجم المیزان، ۲۰/۵۴.
۴. تفسیر نمونه، ۱۷/۲۹۹.
۵. ترجمه المیزان، ۱۶/۴۶۵-۴۶۶؛ الدر المنثور، ۵/۱۹۸، به نقل از ترجمه المیزان، ۱۶/۴۷۵.
۶. تفسیر کشاف، ۴/۲۱۹؛ احقاق الحق، ۳/۲، به نقل از پیام قرآن، ۹/۲۳۱؛ تفسیر نمونه، ۲۰/۴۱۵؛ الدر المنثور، ۶/۵۰، به نقل از ترجمه

- الميزان، ۱۸/۷۴
۷. تفسیر نمونه، ۲۵/۳۴۵.
۸. تفسیر القرطبی، ۱۰/۶۹۲۲.
۹. تفسیر نمونه، ۲/۵۷۲؛ ترجمه المیزان، ۳/۳۷۵؛ پیام قرآن، ۹/۲۵۰، الدر المنثور، ۲/۲۱۹؛ مجمع البیان، ۲/۴۵۲.
۱۰. المیزان، ۴/۶۵۷.
۱۱. شواهد التنزیل، ۲/۲۲۷، ج ۹۴۳، به نقل از پیام قرآن، ۹/۳۲۱.
۱۲. مجمع البیان، ۱۰/۴۸۱.
۱۳. کمال الدین و تمام النجمه، ۱/۵۷۲.
۱۴. بحار الانوار، ۴۵/۱۱۶، اعلام الوری / ۲۵۱؛ کشف الغمه، ۲/۶۶.
۱۵. البرهان، ۵/۲۶۶؛ الدر المنثور ۶/۱۴۳؛ تفسیر قمی، ۲/۳۲۲-۳۲۳.
۱۶. پیام قرآن، ۹/۳۴۴.
۱۷. اصول کافی، ۱/۱۵۱، به نقل از ترجمه المیزان، ۱۵/۱۹۶.
۱۸. بحار الانوار، ۴۴/۲۲۳.
۱۹. همان، ۴۴۵/۲۱۸.
۲۰. تفسیر نمونه، ۱۰/۳۹۰.
۲۱. اصول کافی، ۱/۴۷۷؛ نهج البلاغه، خطبه ۱۰۸ / ۳۳۷-۳۳۸.
۲۲. مفاتیح الجنان / ۷۷۷.
۲۳. المزار / ۱۴۳.
۲۴. المناقب، ۴/۵۲.
۲۵. موسوعه کلمات الامام الحسین (ع)، ص ۵۵۲-۵۷۱.
۲۶. امالی / ۱۵۳؛ بحار الانوار، ۴۴/۳۶۷؛ موسوعه کلمات الامام الحسین (ع) / ۳۳۷.
۲۷. تفسیر فرات / ۵۶۲.
۲۸. مستدرک الوسائل، ۱۳/۱۱۷.
۲۹. کافی، ۶/۴۲۰.
۳۰. منتهی الامال، ۱/۲۸۶؛ تفسیر عیاشی، ۲/۲۵۷.
۳۱. بحار الانوار، ۴۴/۱۹۵؛ کشف الغمه، ۲/۳۱.
۳۲. منتهی الامال، ۱/۲۶۸؛ سفینه البحار، ۱/۴۲۱؛ منازل الاخره / ۲۰۷.
۳۳. منتهی الامال، ۱/۲۸۸.
۳۴. فضایل حسین بن علی در مدینه تا کربلا / ۲۷۳، به نقل از گلچینی از گلستان محمدی / ۲۰۷.
۳۵. بحار الانوار، ۴۴/۳۷۶.
۳۶. همان / ۳۳۰.
۳۷. بحار الانوار، ۴۵/۵؛ ویژگیهای امام حسین / ۱۴۵.
۳۸. مستدرک الوسائل، ۱۰/۳۱۹؛ حماسه حسینی، ۲/۶۰.
۳۹. حماسه حسینی، ۲/۲۰۸.
۴۰. همان، ۱/۱۴.
۴۱. همان، ۲/۲۱۹.
۴۲. فرهنگ خیام / ۱۶۴؛ المنجد، ۱/۴۰۶-۴۰۷.
۴۳. بحار الانوار، ۳۴/۳۲۹.